

بررسی

تاملات زندان

آنتونیو رامیسی در نوامبر ۱۹۲۶ در رم دستگیر شد. در زمان دستگیری رهبر حزب کمونیست ایتالیا و نماینده حزب پارلمان بود. کارمندش که به نظر کتابهای معارفی درباره نظریه سیاسی می‌رسد، اما لاا پیش از اکثر تئوریهایی دادند تا او از زندان به زندان‌های دور از سواحل سیسیل انتقال دهد. شرایط راز کار و مطالعه او از اسامع بود. اما در زائویه سال بعد دادگاهی به میلان طی حکمی خواهان جلب و انتقال او به آن شهر شد تا در دلاگاه وود دفاع از کشور حاضر شود. محاکمه گرامسکی در این دادگاه بیش از یک سال تا اواخر مه ۱۹۲۸ طول کشید. لوید در ژوئن سال همان ۲۰ سال زندان محکوم شد. در دورانی که گرامشی منتظر محاکمه‌اش در میلان بود، طرح «دفترهای زندان» شکل گرفت. برخلاف گفته‌ها، گرامشی در این دوره آزاد بود. بخواند، اگرچه اجزای دانشات از خوانده‌هایش یادداشت برادر، فقط به‌عنوان زندانی حق داشت که هفته‌ای دو نامه به خانواده‌اش بنویسد. در یکی از نامه‌هایش به خواهرزشتی از طرخی صحبت می‌کند که امید داشت به پروژهای نظامیان بدل شود. هم‌شاه سپی از آغاز زندان محکومیت‌اش در زندان نژوی اتریا اجازت بنویسد. سرانجام در هشتم فوریه ۱۹۲۹ کار بر روی نخستین دفترش را آغاز کرد؛ یک دفترچه مشق دستنالی خط‌شکلی شده که مهر زندان داشت. تا اگوست ۱۹۳۱ هفت دفتر در اینها را با یادداشت‌های عمومی درباره موضوعات فکری و سیاسی پر کرد و سه دفترچه برای تمرین ترجمه از آلمانی به روسی. پیش از ترک نژور در نوامبر ۱۹۳۲ کار روی ۱۰ دفترچه دیگر را به‌اضافه یک دفترچه ترجمه آغاز کرد و برخی از آنها را در درمانگاهی در فورمدی، جنوب رم، تکمیل کرد که دسامبر همان سال به آنجا منتقل شد. در ۱۲ دفتر دیگر در فورمدی نوشت که مجموع دفترها به ۳۳ دفتر رسید.

بعد از مرگ گرامشی خواهرزشتن دفترها را از درمناگه خارج کرد و پس از یک سال آنها را به مسکو رساند. بعد از جنگ برخی از دفترها و به مرور باقی دفترها نیز منتشر شد. گرامشی در دفترهای زندان به طیف گسترده‌ای از موضوعات می‌پرداخت؛ از فلسفه و تاریخ تا مباحث تئاتر، آموزش، ورزش و… و متاز از آرای متفکری او چون کج‌وجه، سورل، پائتو و دیگران. در تمام این زمینه‌ها با شهودهای عمیق و تفسیرهای پدید قدرت اقتصادی و سیاسی را از خلال دیکتوکراوت‌های برسمی در دفترها و به یکی از مهم‌ترین متون نظریه سیاسی قرن بیستم بدل می‌کند. جایگاه بزرگ و مرکزی موضوعات ادبی و فکری وی یکی برسته طرح‌های گرامشی برای کار در زندان و ساختن و پرداخت نهایی آنها در دفترهاست که بسیار مورد توجه قرار گرفته است. گرامشی در زمانه‌ای که نخستین‌بار از طرح دفترها صحبت کرد به چهار موضوع پرداخت که سه مورد از آنها جهت‌گیری ادبی و فرهنگی دارند؛ زبان‌شناسی تطبیقی، پیراندلو و سلیقه و ادبیات مردم ایتالیا و داستان‌های ناب‌دار و سلیقه ادبی عامه. در بازنویسی‌های بعدی تقریباً همین خط باقی ماند. از این‌رو، بسیاری از این بازوند که تمرکز گرامشی به خواهرزشتی در دوران زندان نشانی از ساختن اسبوزا از زندان و عیای و تمایل به یک مدام مردم به چیرزهایی است که ذهنش را از مسائل دردناک و ناتوانی‌اش بر ترکانگریز برای سبب سبب معترف می‌کند. همچنین این موضوع مطرح شد که شاید او تاوان کارنگذاشتن مطالعات انسان‌شناختی او را بفغ نفع روزنامه‌نگاری و مبارزه سیاسی در جوامعی می‌پرداخت. یان‌بالن، سبسیاری از شارحان آرای گرامشی تأکیدی دارند تا این نگاه نمی‌توان اسامیج رامیسی را گرامشی را در سراسر دفترها و نیز جایگاه عادلان در اندیشه‌های او توضیح داد. گرامشی می‌خواهد یکی از مخالفان جدی ایده «ادیات برای ویتنام» و سیاست برای یک لحظه، باشد. اما همین در دفترها مستدکم یک مفهوم نظری تلویحی از وجود قدرت دارد که می‌تواند ملاحظات پرکارنده گرامشی را درباره قلمروی وسیع نشان دهد. او رویه او را نزدیکی‌ش به قدرت نه‌اندیت ابیات و هر یک‌لکه به موضوعات دیگری مانند فلسفه، علم اقتصاد و سیاست هرچند در تمام این موارد علاوه او پیش از آنکه فی‌نفسه به خود موضوع باشد به جایگاهی است که آن موضوع در حیطه کارهای اجتماعی انقلاب می‌کند.

تاکسون ترجمه‌کننده‌ای از دفترهای گرامشی به فارسی در دسترس نرود. کمپانی انتشارات آگه گردنیزدای از نوشته‌های گرامشی را گرامشی را به ویراستاری دادید. فرانسوئس و جوری نول- فرانسس متششر کرده که دفترهای مهمی از دفترهای او را در بر می‌گیرد. متاجر حاضر حاصل کار مترجمان ماهری چون اگبر تریخ شیری در این نوشته بود. این فرایند مدرنیزاسیون شهری که به شکل دزدبازیه‌ای از آن به نام «شهری» یاد می‌شد، محله‌های آزادباز یکی از مهم‌ترین متون سیاسی معاصرین. کتاب «مدرک‌شده نوشته‌های فرهنگ» به بخش دارد؛ بخش اول (فرهنگ) یوروتالی، شامل مقالاتی است از ویراست‌های گوناگون ایتالیایی نوشته‌های رولاند، بخش‌های هشت بخش‌های مایه گردی‌های ایتالی، از دفترهای زندان. هرکدام از یادداشت‌های دفترهای زندان در بخش‌های دوم تا نهم عنوان مجزایی دارد که عنوانی منظر گرامشی‌اند. بخش دوم (تفاوت نقد) در اساسی نخستین باره از ۲۲ تقییم شد که یادداشت‌های دیگر، درباره روش و دربارهٔ کویچه از جای دیگر به آن ادامه شده است. بخش‌های دوم تا ۳۴ کوتاه شده تا هشتت بخش هفتم (اختلاف بر پرسیانی) در ۲۲ بخش یادداشت‌های دیگری در همین ضمیمه عنوان تشکیل دهد. بخش هفتم (ادیات‌هایمعبد) متکی بر ۲۱ اثر است. ترکیبی از یادداشت‌های قبلی باشد از دفترهای (از ۲۳ تا ۳۴ یا سوارای از یادداشت‌های دیگر در بخش‌های بعدی) به‌همه (فرهنگ)، آمده است. در بخش چهارم (زبان) زبان‌شناسی و فرهنگ عامه و در ۲۷ و ۲۸ به دست‌نویس‌های مرتبط دیگران اشاره شده است. در بخش نهم (روانه‌نگاری) از ۲۴ دفتر، ۲۳ بخش سوم (پیراندلو) و ششم (ماژورینی) به نوشته‌های متأخری در طریح اولیه گرامشی باقی‌مانده است. اما به نظر می‌رسد تک‌نگاری درباره او نویسنده پدیدماری به مجموعه یادداشت‌های دیگر برقرار شد. ویراستاران کتاب حاضر تلاش کرده اند تقسیم یادداشت‌ها به بخش‌ها را باید موقتی تلقی کرد از قلمش: «مضمون‌نویان یا در تمام این موارد واقعی در متنی اصلی گرامشی فقط تأثیراتی دارند؛ از ترمیم چنین مرزهایی عمدتاً این قصد عملی را داشته که با رهاچفتی قابل کنترل به شیگه پیچیده نوشته‌های فرهنگی گرامشی پرداخته شود».

پرزگیده نوشته‌های فرهنگی

آنتونیو گرامشی
ترجمه: محمد مرتضاجان
ناشر: آگاه
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۴۰۰۰ تومان

بررسی

بختم را درباره مارشال بنام به عنوان یک نظریه‌پرداز سیاسی آغاز می‌کنم. اما موضوع اصلی سخن این است که او چگونه به یک‌دیگر تبدیل شد- و به نظرم چیزی بهتر، کتاب اولش، «سیاست اصالت»، حاصل نیازهایش در دانشگاه هاروارد بود و حداقل در ظاهر تجربه‌های مارکس به نظریه سیاسی. کتاب زیرعنوان مجموعه‌ای از کتاب‌ها، که گویا می‌باشد، با ویرایشش توسط انتشارات آتوم در دهه ۱۹۷۰ منتشر شد. هدف در این مجموعه نوشتن کتبی بود که به نظر کتابهای معارفی درباره نظریه سیاسی می‌رسد، اما لاا پیش از اکثر کتاب‌های دانشگاهی برای مفهوم قابل فهم و دمو از اکثر کتاب‌های دانشگاهی چندپار بودند. کتاب «سیاست اصالت» به خوبی در این قالب جای می‌افتاد، این کتاب تنها است از این مجموعه که هفتقا به خاطرمدعای همدیج هنری چهره تربیت‌شده تشریبه نوشتاری کتاب و نظریه‌های سیاسی برای چپ نو نامید. هیچ از چپ نو منتظر بود اما مارشال خودش می‌آمد. نظریه‌های سیاسی برای چپ نو این عنوان کتاب را به صورت غیرعاریفی جذاب می‌کرد، و سبک مارشال- که او کتابش پر می‌نویسنده بود- آن را به صورتی قابل فهم قابل فهم می‌کرد. در اصل تحقیقی بود درباره موتوسک و روسو و ژرژ ساد و ژرژ پوپ. این چیزی بود که آن روزها انتظارش را داشتیم، ما نظریات‌مان را با خواندن و شرح کتاب‌های بنیادین درباره نظریه سیاسی بیان می‌کردیم. مستقیم نمی‌گفتم نظران منطق از زبان خودمان حرف نمی‌زدیم. صدای مارشال بی‌شک واضح شنیده می‌شد، اما باز هم از طریق خواندن روسو، اما چیزی که می‌خواست، و شاید خوش هم هنوز نمی‌داشت، نوشتن کتبی بود که در آن خواننده بتواند برین را بنویشد. می‌کند که این کتاب‌های در این دست‌نویس‌ها و خواندن برین تبدیل شد به کاری که در آینده خوانندگان تحلیلی

پیش‌شاه وقتی دانشجوی دوره لیسانس بودم، مدرنیته را از چیزی بود که یاد گرفته بودیم از آن منتظر باشیم، تمامیت‌بخش، عقلانی‌تر و تکنوکراتیک. مدرنیته موتور پی پشت تقدیر شوم اما مکتبیزه قاسیم و همان نیروی غیرسانی و بی‌پسیمی بود که افرقا را در قالب چندین مستعمره سازماندهی کرده بود. چنان‌که تئودور آدورنو می‌نویشت، منطق مدرنیته مابعدتربین از هر دوگاه مرگ ختم می‌شد یا به محاسبات یک کارزار مبدان راهبردی که انسان‌ها را به تعدادی تجربی در شمار برداشته‌شده کشدشان بدین‌سبب.

اما مارکسیسم پیش خود از این دست انتقادات مصون نیست، به یاور نویسندگان مکتب رانکفورت، تلقی ما در مقام یک ابزار، یا همان یک شیء، محکم جامع پیشرفته صنعتی است، معضلی که به همان شدت و حدت ایالات متحده در اتحاد جماهیر شوروی نیز قابل لمس بود. اگر بخوانیم، از راسل مینز یکی از بنیانگذاران جنبش سوشالیست امریکا نقل کنیم، مارکسیسم تنها لغتی دیگر برای واگرایی و تبدیل مردم به منابع است. حقیقت آن است که پیش‌تر بزرگی از توجهی‌ها مدرنیته که حتی از سوسی اقتصاددان مارکسیست نیز بیان شده مبتنی بر این است که مدرنیته به رغم تمام فرایندهای تناقضاتی‌اش، ازجمله یواخولیم بالا رود، نه در نتیجه امکان فروش منابع از فرهنگ‌های سرخپوهر بزرگ که در نتیجه نهادی منتهض به سمت اندیشه‌های رهایی‌بخش مدرنیته

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

روبرتس‌گرمز بزرگراه‌های ایالات متحده اعلام کرد که به هدف قرار دارد. این همان شیفت کرد که مارشال برسر لایال خوبی برای این اقدامی به نام مدرن داشت، او در برانکس نیویورک بزرگ کرد. شاهد زوال این نویسنده محلمان در یکی از خشتین‌ترین فرایندهای تخریب شهری در قرن بیستم بود. این فرایند مدرنیزاسیون شهری که به شکل دزدبازیه‌ای از آن به نام «شهری» یاد می‌شد، محله‌های آزادباز یکی از مهم‌ترین متون سیاسی معاصرین. کتاب «مدرک‌شده نوشته‌های فرهنگ» به بخش دارد؛ بخش اول (فرهنگ) یوروتالی، شامل مقالاتی است از ویراست‌های گوناگون ایتالیایی نوشته‌های رولاند، بخش‌های هشت بخش‌های مایه گردی‌های ایتالی، از دفترهای زندان. هرکدام از یادداشت‌های دفترهای زندان در بخش‌های دوم تا نهم عنوان مجزایی دارد که عنوانی منظر گرامشی‌اند. بخش دوم (تفاوت نقد) در اساسی نخستین باره از ۲۲ تقییم شد که یادداشت‌های دیگر، درباره روش و دربارهٔ کویچه از جای دیگر به آن ادامه شده است. بخش‌های دوم تا ۳۴ کوتاه شده تا هشتت بخش هفتم (اختلاف بر پرسیانی) در ۲۲ بخش یادداشت‌های دیگری در همین ضمیمه عنوان تشکیل دهد. بخش هفتم (ادیات‌هایمعبد) متکی بر ۲۱ اثر است. ترکیبی از یادداشت‌های قبلی باشد از دفترهای (از ۲۳ تا ۳۴ یا سوارای از یادداشت‌های دیگر در بخش‌های بعدی) به‌همه (فرهنگ)، آمده است. در بخش چهارم (زبان) زبان‌شناسی و فرهنگ عامه و در ۲۷ و ۲۸ به دست‌نویس‌های مرتبط دیگران اشاره شده است. در بخش نهم (روانه‌نگاری) از ۲۴ دفتر، ۲۳ بخش سوم (پیراندلو) و ششم (ماژورینی) به نوشته‌های متأخری در طریح اولیه گرامشی باقی‌مانده است. اما به نظر می‌رسد تک‌نگاری درباره او نویسنده پدیدماری به مجموعه یادداشت‌های دیگر برقرار شد. ویراستاران کتاب حاضر تلاش کرده اند تقسیم یادداشت‌ها به بخش‌ها را باید موقتی تلقی کرد از قلمش: «مضمون‌نویان یا در تمام این موارد واقعی در متنی اصلی گرامشی فقط تأثیراتی دارند؛ از ترمیم چنین مرزهایی عمدتاً این قصد عملی را داشته که با رهاچفتی قابل کنترل به شیگه پیچیده نوشته‌های فرهنگی گرامشی پرداخته شود».

برانکس مجبوس در شده، نیازمند بازوری این نکته است که برین یک

می‌دهند، هم در داخل آمریکا بود در خارج- مخصوصا در بریزل بعد از دیدار آمیزش از آنجا. آن‌هم به دلیلی که مارشال هیچگاه نتوانست برایم توضیح‌بخشد. حد چطور شد که او نتوانست حرفش را به زبان خودش بزند، بدون هیچ واسطه و پیچ و تاب؟ به نظرم او از طریق خواندن مارکس به اینجا رسید و خودش کلیات جذابی است. می‌توانست نهایتاً تبدیل به شارح دست‌نویسته‌های اولیه اقتصادی- فلسفی مارکس شود که در ۱۹۵۰ با شور و شوق بسیار کشف‌کرده بود، چندان تا آن مقالاتش دلالتی است بر پروژهای از این دست، اما در واقع این مارکس مقدم بود که منبع الهام او باشد، بلکه منبعش مارکس مانیفست بود- به نظرم- که شاید اشتباه بود باشد و ممکن است است آرتشیویژوهان روزی این را به ما بگویند- این مارکس مانیفست بود که مارشال از آن خواندن مارکس و همچنین تعبیه معنایش معترض‌ش ازاد کرد. بخشی از مانیفست که مارشال با شور و حالی سرشار درباره‌اش نوشت، نمونه مارکس درباره سیاسی برای چپ نو، این عنوان کتاب را به صورت غیرعاریفی جذاب می‌کرد، و سبک مارشال- که او کتابش پر می‌نویسنده بود- آن را به صورتی قابل فهم قابل فهم می‌کرد. در اصل تحقیقی بود درباره موتوسک و روسو و ژرژ ساد و ژرژ پوپ. این چیزی بود که آن روزها انتظارش را داشتیم، ما نظریات‌مان را با خواندن و شرح کتاب‌های بنیادین درباره نظریه سیاسی بیان می‌کردیم. مستقیم نمی‌گفتم نظران منطق از زبان خودمان حرف نمی‌زدیم. صدای مارشال بی‌شک واضح شنیده می‌شد، اما باز هم از طریق خواندن روسو، اما چیزی که می‌خواست، و شاید خوش هم هنوز نمی‌داشت، نوشتن کتبی بود که در آن خواننده بتواند برین را بنویشد. می‌کند که این کتاب‌های در این دست‌نویس‌ها و خواندن برین تبدیل شد به کاری که در آینده خوانندگان تحلیلی

پیش‌شاه وقتی دانشجوی دوره لیسانس بودم، مدرنیته را از چیزی بود که یاد گرفته بودیم از آن منتظر باشیم، تمامیت‌بخش، عقلانی‌تر و تکنوکراتیک. مدرنیته موتور پی پشت تقدیر شوم اما مکتبیزه قاسیم و همان نیروی غیرسانی و بی‌پسیمی بود که افرقا را در قالب چندین مستعمره سازماندهی کرده بود. چنان‌که تئودور آدورنو می‌نویشت، منطق مدرنیته مابعدتربین از هر دوگاه مرگ ختم می‌شد یا به محاسبات یک کارزار مبدان راهبردی که انسان‌ها را به تعدادی تجربی در شمار برداشته‌شده کشدشان بدین‌سبب.

اما مارکسیسم پیش خود از این دست انتقادات مصون نیست، به یاور نویسندگان مکتب رانکفورت، تلقی ما در مقام یک ابزار، یا همان یک شیء، محکم جامع پیشرفته صنعتی است، معضلی که به همان شدت و حدت ایالات متحده در اتحاد جماهیر شوروی نیز قابل لمس بود. اگر بخوانیم، از راسل مینز یکی از بنیانگذاران جنبش سوشالیست امریکا نقل کنیم، مارکسیسم تنها لغتی دیگر برای واگرایی و تبدیل مردم به منابع است. حقیقت آن است که پیش‌تر بزرگی از توجهی‌ها مدرنیته که حتی از سوسی اقتصاددان مارکسیست نیز بیان شده مبتنی بر این است که مدرنیته به رغم تمام فرایندهای تناقضاتی‌اش، ازجمله یواخولیم بالا رود، نه در نتیجه امکان فروش منابع از فرهنگ‌های سرخپوهر بزرگ که در نتیجه نهادی منتهض به سمت اندیشه‌های رهایی‌بخش مدرنیته

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

روبرتس‌گرمز بزرگراه‌های ایالات متحده اعلام کرد که به هدف قرار دارد. این همان شیفت کرد که مارشال برسر لایال خوبی برای این اقدامی به نام مدرن داشت، او در برانکس نیویورک بزرگ کرد. شاهد زوال این نویسنده محلمان در یکی از خشتین‌ترین فرایندهای تخریب شهری در قرن بیستم بود. این فرایند مدرنیزاسیون شهری که به شکل دزدبازیه‌ای از آن به نام «شهری» یاد می‌شد، محله‌های آزادباز یکی از مهم‌ترین متون سیاسی معاصرین.

پیش‌شاه وقتی دانشجوی دوره لیسانس بودم، مدرنیته را از چیزی بود که یاد گرفته بودیم از آن منتظر باشیم، تمامیت‌بخش، عقلانی‌تر و تکنوکراتیک. مدرنیته موتور پی پشت تقدیر شوم اما مکتبیزه قاسیم و همان نیروی غیرسانی و بی‌پسیمی بود که افرقا را در قالب چندین مستعمره سازماندهی کرده بود. چنان‌که تئودور آدورنو می‌نویشت، منطق مدرنیته مابعدتربین از هر دوگاه مرگ ختم می‌شد یا به محاسبات یک کارزار مبدان راهبردی که انسان‌ها را به تعدادی تجربی در شمار برداشته‌شده کشدشان بدین‌سبب.

اندیشه

خوانندگان نشانه‌ها در خیابان با مارشال برمن

مایکل وائلز، **ترجمه: امیر شرا کلابی**

می‌کند که او «میلتنسکی عوام»‌اش می‌نامید. به نظر بلینسکی، «ا وقتی طبقه ملاک زمان باشد، همواره در حال شوش‌خوردن است. می‌توانست نهایتاً تبدیل به شارح دست‌نویسته‌های اولیه اقتصادی- فلسفی مارکس شود که در ۱۹۵۰ با شور و شوق بسیار کشف‌کرده بود، چندان تا آن مقالاتش دلالتی است بر پروژهای از این دست، اما در واقع این مارکس مقدم بود که منبع الهام او باشد، بلکه منبعش مارکس مانیفست بود- به نظرم- که شاید اشتباه بود باشد و ممکن است است آرتشیویژوهان روزی این را به ما بگویند- این مارکس مانیفست بود که مارشال از آن خواندن مارکس و همچنین تعبیه معنایش معترض‌ش ازاد کرد.

بخشی از مانیفست که مارشال با شور و حالی سرشار درباره‌اش نوشت، نمونه مارکس درباره سیاسی برای چپ نو، این عنوان کتاب را به صورت غیرعاریفی جذاب می‌کرد، و سبک مارشال- که او کتابش پر می‌نویسنده بود- آن را به صورتی قابل فهم قابل فهم می‌کرد. در اصل تحقیقی بود درباره موتوسک و روسو و ژرژ ساد و ژرژ پوپ. این چیزی بود که آن روزها انتظارش را داشتیم، ما نظریات‌مان را با خواندن و شرح کتاب‌های بنیادین درباره نظریه سیاسی بیان می‌کردیم. مستقیم نمی‌گفتم نظران منطق از زبان خودمان حرف نمی‌زدیم. صدای مارشال بی‌شک واضح شنیده می‌شد، اما باز هم از طریق خواندن روسو، اما چیزی که می‌خواست، و شاید خوش هم هنوز نمی‌داشت، نوشتن کتبی بود که در آن خواننده بتواند برین را بنویشد. می‌کند که این کتاب‌های در این دست‌نویس‌ها و خواندن برین تبدیل شد به کاری که در آینده خوانندگان تحلیلی

پیش‌شاه وقتی دانشجوی دوره لیسانس بودم، مدرنیته را از چیزی بود که یاد گرفته بودیم از آن منتظر باشیم، تمامیت‌بخش، عقلانی‌تر و تکنوکراتیک. مدرنیته موتور پی پشت تقدیر شوم اما مکتبیزه قاسیم و همان نیروی غیرسانی و بی‌پسیمی بود که افرقا را در قالب چندین مستعمره سازماندهی کرده بود. چنان‌که تئودور آدورنو می‌نویشت، منطق مدرنیته مابعدتربین از هر دوگاه مرگ ختم می‌شد یا به محاسبات یک کارزار مبدان راهبردی که انسان‌ها را به تعدادی تجربی در شمار برداشته‌شده کشدشان بدین‌سبب.

اما مارکسیسم پیش خود از این دست انتقادات مصون نیست، به یاور نویسندگان مکتب رانکفورت، تلقی ما در مقام یک ابزار، یا همان یک شیء، محکم جامع پیشرفته صنعتی است، معضلی که به همان شدت و حدت ایالات متحده در اتحاد جماهیر شوروی نیز قابل لمس بود. اگر بخوانیم، از راسل مینز یکی از بنیانگذاران جنبش سوشالیست امریکا نقل کنیم، مارکسیسم تنها لغتی دیگر برای واگرایی و تبدیل مردم به منابع است. حقیقت آن است که پیش‌تر بزرگی از توجهی‌ها مدرنیته که حتی از سوسی اقتصاددان مارکسیست نیز بیان شده مبتنی بر این است که مدرنیته به رغم تمام فرایندهای تناقضاتی‌اش، ازجمله یواخولیم بالا رود، نه در نتیجه امکان فروش منابع از فرهنگ‌های سرخپوهر بزرگ که در نتیجه نهادی منتهض به سمت اندیشه‌های رهایی‌بخش مدرنیته

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

روبرتس‌گرمز بزرگراه‌های ایالات متحده اعلام کرد که به هدف قرار دارد. این همان شیفت کرد که مارشال برسر لایال خوبی برای این اقدامی به نام مدرن داشت، او در برانکس نیویورک بزرگ کرد. شاهد زوال این نویسنده محلمان در یکی از خشتین‌ترین فرایندهای تخریب شهری در قرن بیستم بود. این فرایند مدرنیزاسیون شهری که به شکل دزدبازیه‌ای از آن به نام «شهری» یاد می‌شد، محله‌های آزادباز یکی از مهم‌ترین متون سیاسی معاصرین.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

روبرتس‌گرمز بزرگراه‌های ایالات متحده اعلام کرد که به هدف قرار دارد. این همان شیفت کرد که مارشال برسر لایال خوبی برای این اقدامی به نام مدرن داشت، او در برانکس نیویورک بزرگ کرد. شاهد زوال این نویسنده محلمان در یکی از خشتین‌ترین فرایندهای تخریب شهری در قرن بیستم بود. این فرایند مدرنیزاسیون شهری که به شکل دزدبازیه‌ای از آن به نام «شهری» یاد می‌شد، محله‌های آزادباز یکی از مهم‌ترین متون سیاسی معاصرین.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

روبرتس‌گرمز بزرگراه‌های ایالات متحده اعلام کرد که به هدف قرار دارد. این همان شیفت کرد که مارشال برسر لایال خوبی برای این اقدامی به نام مدرن داشت، او در برانکس نیویورک بزرگ کرد. شاهد زوال این نویسنده محلمان در یکی از خشتین‌ترین فرایندهای تخریب شهری در قرن بیستم بود. این فرایند مدرنیزاسیون شهری که به شکل دزدبازیه‌ای از آن به نام «شهری» یاد می‌شد، محله‌های آزادباز یکی از مهم‌ترین متون سیاسی معاصرین.

برمن با بازگشت به منظره تصویرشده از آن خیابان سوم نیویورک، نقل می‌کند که راندلنی در محله برانکس تجربه کرده و درباره آن دست به قلم برده بود. برمن این ویژگی را به خاطر می‌آورد که در محله جلات نوشته‌شده مارکس زیر پیرامانی دیده است، چنان‌که به گمان او مارکس «برای اولین بار سبکی از تئوروسپی را ابتاع کرد» که قادر بود به «حلاقیات همواره‌ای»، و چه بسا خلاقیات سبانه سربامی‌داری را بی‌رحمانه از آن‌طور که برین می‌اشاره می‌کرد، جملات مانیفست به شکلی یک‌پارچه کند. این همان دلیالتیک بوده و دامادی که به درون یک شکستگی و البته وحشت‌ناظره‌هود دیگری حاصلی در جدلی‌نیم مارکس را به مانه فرایند از تناقضاتی‌اش برای به‌یادخولیم بالا رود، نه در نتیجه امکان فروش منابع از فرهنگ‌های سرخپوهر بزرگ که در نتیجه نهادی منتهض به سمت اندیشه‌های رهایی‌بخش مدرنیته

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

به حال بری اندرسون سوخت- جولوچسکو انتهای متن، مارشال توضیح می‌دهد که «او این‌همه درباره مردم عادی و زندگی روزمره در خیابان نوشته» چون «دیدگاه اندرسون فرسنگ‌ها با آنها فاصله دارد». و هنوز هم ماجرا از همین قرار است و دیدگاه سبسیاری از دانشکاهیان مارکسیست هم به‌قدرنتر پیش است. خط آخر مقاله مارشال چکیده موضوع جدیدش است. «خواندن کتاب سرمایه کار توانییم نشانه‌های موجود در خیابان‌ها را بخوانیم دردی ما را دوا نمی‌کند». خواندن نشانه‌ها، این توصیف مارشال است از دگرشدن کفکری که از خود تولید به نمونه‌ای از آن شد. بنابراین موضوع کارش این بود: خیابان‌های نیویورک اما در کنار آن خیابان‌های پاریس و سن‌پترزبورگ، جایی که او نشانه‌ها را از خلال خواندن وقایع حیات شهری خواند. از خلال خواندن بازارک، پولدر و بنامین، پوشش‌های گوناگون، پلی و نقدنشانی. این دیگر نظریه سیاسی نبود، مارشال هنوز هم در دانشگاه بود و وقادر به دانشجویشانی، اما تا جایی که به نظام دانشگاهی مربوط می‌شد او روحی آزاد داشت- به‌عنوان ابثانی بر اینکه «stadtmacht» [حواای شهر به انسان آزادی می‌بخشد؛] حواای شهر مارشال را آزاد کرده بود. او فراتر از هر نظامی می‌شد.

این شرح خود مارشال است در پاسخ به اندرسون از آنچه تبدیل به پروژه زندگی‌اش شد. کتاب «تجربه مدرنیته» هر آنچه سخت و استوار است، «داری چکایی بیشتر و فضایی غنی‌تر از کارهای اولیام ادم» دلشاین است که سعی کردم با شریانی جست‌وجوی خودم در این انسان در زمانه برچانه‌های بری اندرسون بر کتاب «تجربه مدرنیته» با عنوان «نشانه‌ها در خیابان». این مقاله به قدر بسیار قدرتمند بود اما «از»‌اش قدرتمندتر، علاوه بر همه این‌ها، او به شهر مدرن ازی رفت، به خیابان‌هایش و به مردم در خیابان‌هایش.

شاید بهترین روش روش درک ویژگی رازی مارشال خواندن سیاه‌های باشد از کسانی که علیه‌شان باز بعد در مجموعه‌ای جدید، «مدرنیسم در خیابان» دوباره منتشرشد. با خواندنش قدرتاً دنیا

یکی از بهترین مقالاتی که مارشال نوشت تصویرگر این شکست است؛ این مقاله سیاسی‌اش به نقد پی‌رحانه‌های بری اندرسون بر کتاب «تجربه مدرنیته» با عنوان «نشانه‌ها در خیابان». این مقاله به قدر بسیار قدرتمند بود اما «از»‌اش قدرتمندتر، علاوه بر همه این‌ها، او به شهر مدرن ازی رفت، به خیابان‌هایش و به مردم در خیابان‌هایش.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

پیش‌شاه شیری در این نوشته‌های که به نام آنان، ما را در مقام مردم به هم حاشیه‌هایی به بردگی می‌کشند که بنا بود ازآنهامان را برای عرادی داشته باشند. به بیانی دیگر تحقق ارتشاور و قورماد برای عرادی منوط به تکمیل شیفت کاری‌های دیگر در کارخانه‌هاست.

بررسی

فصحا، تاکیدم بر احوالی است از مدرنیسم که درصدد غلبه بر فضای تأغییرش است. درصدد جذب و تغییر آن به نام مردمی است که به مدرنیته تعلق دارند. این مردم شامل اعضای هر طبقه‌ای است، هر چند تکدیگ مارشال بیشتر بر شناخت کارگرانی بود که فورا در خیابان، به طر مثال در خیابان نیوکی دیده می‌شوند، هر چند روزی بالاخره پیشانی به سربامیه کار توانییم نشانه‌های موجود در خیابان‌ها را بخوانیم دردی ما را دوا نمی‌کند». خواندن نشانه‌ها، این توصیف مارشال است از دگرشدن کفکری که از خود تولید به نمونه‌ای از آن شد. بنابراین موضوع کارش این بود: خیابان‌های نیویورک اما در کنار آن خیابان‌های پاریس و سن‌پترزبورگ، جایی که او نشانه‌ها را از خلال خواندن وقایع حیات شهری خواند. از خلال خواندن بازارک، پولدر و بنامین، پوشش‌های گوناگون، پلی و نقدنشانی. این دیگر نظریه سیاسی نبود، مارشال هنوز هم در دانشگاه بود و وقادر به دانشجویشانی، اما تا جایی که به نظام دانشگاهی مربوط می‌شد او روحی آزاد داشت- به‌عنوان ابثانی بر اینکه «stadtmacht» [حواای شهر به انسان آزادی می‌بخشد؛] حواای شهر مارشال را آزاد کرده بود. او فراتر از هر نظامی می‌شد.

این شرح خود مارشال است در پاسخ به اندرسون از آنچه تبدیل به پروژه زندگی‌اش شد. کتاب «تجربه مدرنیته» هر آنچه سخت و استوار است، «داری چکایی بیشتر و فضایی غنی‌تر از کارهای اولیام ادم» دلشاین است که سعی کردم با شریانی جست‌وجوی خودم در این انسان در زمانه برچانه‌های بری اندرسون بر کتاب «تجربه مدرنیته» با عنوان «نشانه‌ها در خیابان». این مقاله به قدر بسیار قدرتمند بود اما «از»‌اش قدرتمندتر، علاوه بر همه این‌ها، او به شهر مدرن ازی رفت، به خیابان‌هایش و به مردم در خیابان‌هایش.

شاید بهترین روش روش درک ویژگی رازی مارشال خواندن سیاه‌های باشد از کسانی که علیه‌شان باز بعد در مجموعه‌ای جدید، «مدرنیسم در خیابان» دوباره منتشرشد. با خواندنش قدرتاً دنیا

یکی از بهترین مقالاتی که مارشال نوشت تصویرگر این شکست است؛ این مقاله سیاسی‌اش به نقد پی‌رحانه‌های بری اندرسون بر کتاب «تجربه مدرنیته» با عنوان «نشانه‌ها در خیابان». این مقاله به قدر بسیار قدرتمند بود اما «از»‌اش قدرتمندتر، علاوه بر همه این‌ها، او به شهر مدرن ازی رفت، به خیابان‌هایش و به مردم در خیابان‌هایش.

پیش‌شاه شیری در این نوشته